

حال در این هجوم فرهنگی، مسلمانی که به دین و فرهنگ خود پایبند بوده و نتوانسته خودش را با این فرهنگ تطبیق دهد، گوشه‌گیری می‌کند و منزوی می‌شود و این فشار در نهایت سبب انتحار و انتقام‌اواز جامعه خواهد شد.

اشتراکات فرهنگی ما با ملت افغانستان، عامل ادغام و اتصال دو ملت

در ایران اما به این خاطر که مهاجرت‌ها عمدتاً دلایل ایدئولوژیک و مذهبی داشته و از جوامع مسلمانی مثل عراق و افغانستان به کشور ما انجام شده است، با وجود اختلافات فرهنگی، اختلاف گفتمانی پرنرنگی را شاهد نیستیم. مسأله دیگر سابقه تمدنی ما و جذب ملل همسایه با ایجاد یک منطقه فرهنگی و تمدنی است. این قوت و غلبه فرهنگی را می‌توان در مواجهه با فرهنگ‌های معارض یافت. به طور خاص پس از ورود مقدونی‌ها به ایران، در زمان فتح ایران توسط اعراب و بعد از حمله مغول‌ها، همه این فرهنگ‌ها و اقوام معارض در هاضمه فرهنگی ما هضم و ایرانی می‌شوند و فراتر از آن، آنها تبدیل به حاملان فرهنگ ایرانی می‌شوند و در گسترش این فرهنگ و تمدن نقش ایفا می‌کنند.

مغول‌ها فرهنگ ایرانی را در گستره متصرفات خود از آلتای تا دانوب گسترش می‌دهند، اعراب مسلمان این فرهنگ را از سند تا آندولس می‌گسترانند و عثمانی‌ها نیز به صورت رسمی مروجین فرهنگ مذهبی، ادبیات، خط، کاشی‌کاری و در یک کلام مروج «ارکان تمدنی ایران» تا دروازه‌های وین می‌شوند. فرهنگ ما به خاطر غلبه و عقبه قوی خود در این قرن‌ها توانسته مهاجرینی با کمترین اشتراک فرهنگی را در خودش هضم کند و آنها را تبدیل به مروجین فرهنگ خودش کند. وقتی مقتدرترین سلطان عثمانی، سلطان محمد فاتح در جریان فتح ایاصوفیه سجده شکر می‌گذارد و با وجود اینکه ۶ زبان بلد بوده، به فارسی شعر می‌گوید، اینها همه نشان از استواری بنیان‌های تمدنی ایران است. پس در مقایسه با تجربه شکست‌خورده کشورهای اروپایی، اتفاقاً می‌توان تجربه تمدنی کشورمان را به عنوان الگویی موفق از مهاجرپذیری و ادغام و جامعه‌پذیری مهاجرین دانست.

در پایان باید به این مسأله توجه داشت که این مؤلفه‌های تمدنی، مذهبی و خصوصاً وجود مضجع شریف حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در ایران، سبب شده تا هم مسافران و هم مهاجران در کشور ما احساس غربت نداشته باشند؛ اما مهاجران مسلمان ساکن کشورهای اروپایی در آن کشورها با مشکلات جدی در زیست روزمره مواجه می‌شوند. آن‌ها حتی در تهیه غذای حلال مشکل دارند و به دلیل اختلافات فرهنگی و زبانی بسیار، در تعامل با جامعه میزبان این حس را دارند که مردم آنجا به دید افرادی بیگانه به آنها نگاه می‌کنند. در مقابل، یک مهاجر مسلمان افغانستانی در ایران، با وجود مؤلفه‌های مشترک تمدنی چند هزار ساله ما با ملت افغانستان، کمتر در ایران احساس غربت می‌کند.

پس‌نوشت:

1-Dublin Regulation

ششمین شماره
سپهر

۱۱۱ شماره چهارم • تیرمرداد ۱۴۰۲